

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال یازدهم، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (صص ۳۲-۹)

اهداف و کارکردهای کنسولگری بریتانیا و تعامل آن با کمپانی هند شرقی در شیراز (۱۹۲۵-۱۹۰۳ م / ۱۳۴۴-۱۳۲۱ ه.ق)

۲- حمید حاجیان‌پور

۱- سید میر عبدالرضا حسینی

چکیده

از سده ۱۹م سیاست انگلستان در ایالت فارس، ایجاد امنیت در راه‌های ارتباطی با هدف توسعه تجارت بود. در این راستا دولت بریتانیا اقدام به تأسیس یکی از سازمان‌های هماهنگ‌کننده به نام «کنسولگری» کرد. این پژوهش برآنست با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال باشد که کنسولگری بریتانیا در شیراز، درصدد دستیابی به چه اهداف و کارکردهایی بود و نحوه تعامل آن با کمپانی هند شرقی چگونه بود؟ یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که قصور دولت مرکزی و فقدان قدرت محلی در فارس، باعث ایجاد ناامنی در راه‌ها شد که در نتیجه به تجارت بریتانیا زیان‌هایی وارد کرد. این مسأله کنسول‌ها را بر آن داشت تا برای حفظ منافع خود و برقراری امنیت، دست به اقداماتی بزنند؛ از جمله، دخالت در امور داخلی حکومت فارس، تصمیم به تجزیه آن، برقراری روابط مستقیم با سران قبائل و عشایر، اعزام قشون هندی، دادن اولتیماتوم به دولت مرکزی و اخطار به حکام محلی مبنی بر دخالت نظامی و تشکیل نیروی مستقلی به نام «پلیس جنوب». کنسولگری بریتانیا در شیراز در مأموریت خود از ظرفیت‌های نظامی، مالی و اداری کمپانی هند شرقی بهره می‌برد و تحت اداره کل سیاسی هند بود و سخنگوی کمپانی، در دستگاه اداری فارس استقرار داشت. صادرات به بمبئی و دیگر بنادر مهم هند، از طرف فارس صورت می‌گرفت.

کلید واژه‌ها: کمپانی هند شرقی، بریتانیا، کنسولگری، شیراز، تجارت.

۱- دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشگاه شیراز

Email: H.hajianpour@yahoo.com

۲- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۳۰

۱- مقدمه

زمینه فعالیت‌های استعماری اروپاییان در ایران و آغاز نفوذ جدی آنان در ایالت فارس، به زمان سلطنت صفویان (۱۷۲۶-۱۵۰۲م / ۱۱۴۸-۹۰۷هـ.ق) بازمی‌گردد. در ۱۹ اکتبر ۱۶۱۶م / ۱۰۲۵هـ.ق، شاه عباس فرمان آزادی تجارت انگلیسی‌ها در ایران را صادر کرد و بازرگانان انگلیسی در اصفهان و شیراز تجارتخانه تأسیس کردند و در سال ۱۶۱۷م / ۱۰۲۵هـ.ق، «ادوارد کوناک» (Edward Connock)، فرستاده کمپانی هند شرقی، کارخانه‌هایی در اصفهان و شیراز دایر کرد (سیوری، ۱۳۶۴: ۹۹). بعد از صفویه، حضور انگلیسی‌ها در ایران و خلیج فارس تا اواخر سده ۱۸ (۱۷۹۸م / ۱۲۱۲هـ.ق)، بیشتر به فعالیت‌های بازرگانی کمپانی هند شرقی منحصر شده بود (Bullard, 1951: 25-26)؛ اما از اوایل سده ۱۹ (۱۸۰۳م / ۱۲۱۷هـ.ق) به بعد، به دلیل خطر ناپلئون در مشرق زمین، منافع سیاسی برتر بریتانیا، منافع تجارتهی این کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داد (رایت، ۱۳۶۴: ۶۴). کمپانی هند شرقی به تدریج متوجه شد دخالت در پاره‌ای از جریان‌های سیاسی برای تسهیل امر تجارت لازم و ضروری است؛ از این‌رو دلیل درگیر شدن در جنگ‌ها، بستن قراردادهای صلح، انجام مذاکرات سیاسی و گرفتن امتیازات بخشی از فعالیت‌های عمده و اساسی کمپانی هند شرقی شد (امین، ۱۳۶۷: ۳۱-۳۰). در این زمان نماینده مقیم سرکنسولگری بعدی ایالت فارس، جای کارمند بومی و محلی را گرفت و همچنان یکی از وظایف اصلی وی حفظ تجارت و کشتی‌رانی انگلیس و کمپانی هند شرقی با جنوب ایران بود (رایت، ۱۳۸۵: ۹۱).

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

در اوایل سده ۱۹م / ۱۳هـ.ق روسیه تزاری اقدام به دست‌اندازی و تهاجم به خاک ایران کرد. آن‌ها در نظر داشتند به آب‌های گرم و آزاد راه یابند و نیروی خود را علیه بریتانیا در شرق قوت بخشند. در اواخر این سده هدف سیاسی روسیه ایجاد یک پایگاه دریایی در خلیج فارس بود (Lorimer, 1970: 326). به دنبال این سیاست در سال ۱۹۰۲م / ۱۳۱۹هـ.ق خلیج فارس ملک مطلق بریتانیا قلمداد شد و بریتانیا از طریق هندوستان و به‌ویژه کمپانی هند شرقی حاکمیت خود را در خلیج فارس تحکیم بخشید و وزیر خارجه بریتانیا، لرد لنزدون (Lord Lansdowne)، اعلان کرد: «من بدون تأمل می‌گویم که تأسیس یک ایستگاه دریایی یا یک بندر محصون و بارودار در خلیج فارس را به‌وسیله هر دولتی که باشد، باید یک تهدید جدی به منافع بریتانیا بدانیم و بایستی

با تمام وسایل ممکن که در دسترس داریم، از وقوع آن جلوگیری کنیم» (سایکس، ۱۳۶۲: ۲/ ۵۹۲). این گزارش باعث شد که لرد کرزن، نایب‌السلطنه هندوستان، در سال ۱۹۰۳م/ ۱۳۲۰هـ.ق اعلام کند که حکومت هند همیشه ازدیاد منافع را در ایران مدنظر دارد؛ به‌همین دلیل کنسولگری‌های جدیدی را در ایران تأسیس خواهد کرد و با تمام وسایل ممکن تجارت بریتانیا را ترویج خواهد داد و از آن پشتیبانی خواهد کرد (همان: ۵۹۳).

در این میان ایالت فارس به‌دلایلی همچون موقعیت جغرافیایی، منابع مالی، وضعیت کشاورزی و دامپروری، وجود ایلات قدرتمند، داشتن موقعیت تجاری و بازرگانی و قرار داشتن در مسیر تجاری، از یک طرف منابع ثروت دولت مرکزی را افزایش می‌داد و از طرف دیگر حضور و توجه دولت‌های خارجی، به‌خصوص بریتانیا را به خود معطوف می‌داشت. این تحقیق درصدد آن است که اهداف بریتانیا و حکومت انگلیسی هند را در تأسیس کنسولگری در شیراز و چگونگی تعامل آن با کمپانی هند شرقی و کارگزاران سیاسی بریتانیا در هندوستان را مورد بررسی قرار دهد.

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

تاکنون روابط ایران با کشورهای استعمارگر اروپا به‌خصوص بریتانیا در زمینه‌های مختلف به‌وفور مورد تحقیق قرار گرفته‌است؛ اما تأثیر کمپانی هند شرقی بریتانیا و به‌ویژه پیامدهای تأسیس سازمان کنسولگری در روابط ایران و بریتانیا کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. نظر به اینکه هدف اصلی این تحقیق بررسی اهداف و کارکردهای تأسیسات سیاسی و اداری انگلستان مانند کنسولگری و کمپانی هند شرقی در شیراز است؛ بنابراین می‌بایست مقاصد بریتانیا را در ایران از نظر تأسیس کنسولگری و مناسبات آن با کمپانی هند شرقی مورد پژوهش بیشتر قرار داد. ضرورت این تحقیق به‌دلیل خلأ پژوهش موجود در این حوزه است که محقق با بهره‌گیری از منابع موجود، اهداف و کارکردهای کنسولگری بریتانیا در شیراز را در حیطه زمانی پژوهش، مورد بررسی قرار داده‌است.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

این تحقیق در چارچوب نظریه استعمار، به رقابت‌های کشورهای استعمارگر در ایران به‌خصوص بریتانیا و نیز تأسیس کنسولگری بریتانیا در شیراز و فعالیت‌های کمپانی هند شرقی در این ایالت پرداخته‌است. از این جهت این تحقیق با توجه به نظری بودن آن، از نظر هدف، بنیادی و از نظر

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است؛ یعنی ابتدا موضوع مورد بحث را توصیف و تشریح کرده و سپس ابعاد و زوایای تشکیل کنسولگری و کارکردهای آن را تحلیل و تبیین می‌کند. بدیهی است روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش عمدتاً کتابخانه‌ای است و منابع دست اول تاریخی، سفرنامه‌ها، آثار وقایع‌نگاران، مکاتبات منتشرشدهٔ مأموران سرّی دولت‌های بیگانه و هفته‌نامهٔ فارس، از جمله منابعی هستند که از آن‌ها استفاده شده است.

۴-۱- پیشینهٔ تحقیق

تاکنون تحقیق مستقلی درخصوص کنسولگری بریتانیا در شیراز و به‌ویژه بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظامی، مالی و اداری کمپانی هند شرقی در شیراز صورت نگرفته است. نخستین آثاری که در زمینهٔ کنسولگری به زبان فارسی نوشته شده، آثار «صفورا برومند» است. ایشان نخست دو مقاله با عنوان «سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر» و «کنسولگری بوشهر و تجارت اسلحه در خلیج فارس» را در نشریهٔ تاریخ روابط خارجی منتشر کرد. اثر بعدی ایشان (۱۳۸۱) کتاب «سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر» است که نویسنده کارکرد این سرکنسولگری را طی ۱۸۲ سال، از نمایندگی تا کنسولگری، ۱۹۱۴-۱۷۶۳م/۱۳۳۲-۱۱۷۷هـ.ق، مورد بررسی دقیق قرار داده است. دیگر منابع به صورت جزئی به موضوع کنسولگری پرداخته‌اند: لمبتون (۱۳۶۳) در کتاب «سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام» در رابطه با رقابت‌های روس و انگلیس در امر تجارت، به پیشینهٔ استقرار کنسولگری‌ها و رابطهٔ آن‌ها با امر تجارت پرداخته است. سفیری (۱۳۶۴) و رازی (۱۳۸۱) هر دو به چگونگی تشکیل پلیس جنوب به عنوان شاخهٔ نظامی کنسولگری پرداخته‌اند. راثین (۱۳۵۶) با ذکر برخی از وظایف سیاسی و اقتصادی کنسول‌ها، اشتهار آن‌ها را به وکیل، وکیل شه‌بندر، وکیل الدوله و بعد به وکیل‌السفاره بیان کرده است. انوری (۱۳۹۰) مؤسسات تحت نظارت کنسولگری‌ها را مکتوب کرده است. رایت (۱۳۸۵) تاریخ تأسیس کنسولگری‌ها و همچنین اقدامات و کارکردهای مثبت کنسولگری‌ها را بیان کرده است.

۲- موقعیت فارس - شیراز

در نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۸م (۱۷۵۴م)، کمپانی هند شرقی به این نتیجه رسید که خلیج فارس دارای موقعیت سوق‌الجیشی و باارزشی برای تجارت است که نباید به دست فراموشی سپرده شود. (نوردن، ۲۵۳۶: ۳۰). از سدهٔ ۱۹م، ایران گذشته از اینکه بازار مهمی برای تجارت بازرگانان

انگلیسی و کمپانی هند شرقی بود، از نظر سیاسی و نظامی نیز کلید دروازه هند به شمار می‌رفت. همچنین تسلط بر هند به معنای فرمانروایی مطلق بر جهان شرق بود و از این جهت انگلستان بدون هندوستان امکان زیست نداشت (کرزن، ۱۳۸۷: ۲۱/۱).

در این زمان خلیج فارس مسیری برای ارسال کالاهای تجاری به جنوب ایران، عراق و به‌ویژه هند بود و دولت انگلیس و کمپانی هند شرقی نیز به‌عنوان سوداگران عمده دریاهای مشرق‌زمین، به امنیت و گسترش تجارت خود در این آبراه بسیار علاقه‌مند بودند (گریوز، ۱۳۸۰: ۱۳). کرانه‌های شمالی خلیج فارس به ایران تعلق داشت. در این میان حکومت روبه‌زوال قاجار، حاکمیت ضعیف و ناقصی بر آن نواحی داشت (همان).

در این بازه زمانی، منطقه فارس یکی از بزرگ‌ترین مراکز اداری-سیاسی جنوب ایران بود؛ تا جایی که آن را «ایالت» می‌نامیدند (دومورینی، ۱۳۷۵: ۲۲). این ایالت محدوده‌ای وسیع شامل سراسر نواحی جنوب ایران را دربرمی‌گرفت. فارس از شمال به بلوک قمشه در منطقه بختیاری و ولایت اصفهان؛ از مشرق به بلوک‌های شهر بابک (یزد)، سیرجان (کرمان) و بلوچستان؛ از مغرب از طریق منطقه بختیاری به بلوک‌های رامهرمز و فلاحی (خوزستان) و سرانجام از جنوب به تنگه هرمز و خلیج فارس محدود بود (همان: ۸۰).

ایالت فارس بارانداز و دروازه ورود کالاها از خلیج فارس به ایران بود (لمبتن، ۱۳۶۳: ۲۲۳). مجاورت فارس با آبراه خلیج فارس و پیوستگی آن به اقیانوس هند، موقعیت ویژه‌ای به این ایالت بخشید. اهمیت یافتن بنادر و ایالات جنوبی در معادلات سیاسی و اقتصادی جهانی و تسلط فارس بر بنادر، گمرکات و راه‌های ارتباطی جنوب به شمال، جایگاه مهمی در تجارت جهانی به ایالت فارس بخشید. حضور قدرت‌های خارجی در جنوب ایران و به‌ویژه رقابت کمپانی‌های هند شرقی اروپایی، ایالت فارس را با رقابت‌های استعماری درگیر کرد. انگلیس در نظر داشت ایالت فارس را در حکم مستملکات بریتانیای کبیر قرار دهد و آن را به سلسله‌مستعمرات خود در حوزه خلیج فارس ملحق کند و این منطقه را به دروازه مقدم و سوق‌الجیشی هندوستان تبدیل کند (گرگه، ۱۳۷۷: ۴۰۳/۱). طبق سند ضمیمه شماره ۴۱۷، صولت‌الدوله به اسمارت، کفیل کنسولگری شیراز، در نامه‌ای چنین می‌نویسد: «به اطلاع شما که به مقام نمایندگی در فارس و جنوب ایران معرفی شده‌اید می‌رساند، اگر قصد اعلی‌حضرت امپراطوری و مأموران آن این است که این قسمت از مملکت را جزو متصرفات دولت انگلیس قرار دهند، هیچ طریقی برای انجام این کار بهتر از

طریقه‌ای که اتخاذ شده که عبارت از تصمیم همراهی با شخص خائنی [قوام‌الملک] و عزل و تضعیف شخص خادمی [است]، نمی‌باشد. اگر مقصدشان غیر از این است و اگر می‌خواهند مال‌التجاره‌شان سالم‌اً به مقصد برسد، این طریقه خوب نیست. مقصود اصلی دنیای متمدن امروز، تزید و توسعه تجارت است؛ بنابراین انهدام شخصی که دوستی و خدمت خود را به ثبوت رسانیده و باید از او همه‌گونه خدمت بخواهند و او را تقویت کامل نمایند، به‌کلی خلاف تعلیمات تجربی، طبیعت و عقل است و همین‌طور، تقویت از کسی که قادر بر حفظ مال‌التجاره داخلی و خارجه نمی‌باشد و حتی از حفظ خود هم عاجز است، خلاف عقل و طبیعت است» (بشیری، ۱۳۶۹: ۸/۲۰۱۵). در راستای تجزیه ایران، سروان هیو آگتسوس کپل گاف (Captain Hugh Augustus Keppel Gough)، نشان امپراتوری هند، کنسول بریتانیا در شیراز در ژوئن ۱۹۱۸م/ صفر ۱۳۳۷، به سفارت انگلیس در تهران پیشنهاد می‌کند که فارس به‌عنوان یک دولت مستقل در جنوب ایران، تحت نایب‌السلطنتی شاهزاده فرمانفرما از کشور جدا شود (مجد، ۱۳۹۰: ۲۹۶-۲۹۴).

بعضی منابع از شیراز و بندر بوشهر به‌عنوان یک بازار مهم بازرگانی هند یاد کرده‌اند (سفیری، ۱۳۶۴: ۳۰؛ کرزن، ۱۳۸۷: ۸۵/۱؛ ماساهارو، ۱۳۷۳: ۱۱۱) در این میان شیراز برای تجارت بریتانیا و بازرگانان انگلیسی هند از اهمیت بسیاری برخوردار بود. این شهر مخزن و انباری را تشکیل می‌داد که صادرات ایالت از قبیل تریاک و کتیرا برای حمل به بوشهر، به آنجا وارد می‌شد و مرکزی بود که از آنجا مال‌التجاره‌ای که از راه بوشهر وارد می‌شد، به سایر نقاط از جمله: اصفهان، یزد و نواحی فارس تقسیم و حمل می‌شد (بشیری، ۱۳۶۷: ۸/۱۹۰۷). در شیراز گمرک‌خانه‌ای بود که کاروان‌ها را ارزیابی می‌کرد و قیمت‌گذاری و ۲/۵ درصد نیز حقوق گمرکی اخذ می‌شد (لمبتن، ۱۳۶۳: ۲۲۳). در این موقعیت شیراز تصویر کوچک دقیقی از ابهام عجیب اوضاع و احوال و تعادل قدرت‌ها بود که در آن روزگار به انحاء گوناگون در سراسر ایران حکم‌فرما بود (فن‌میکوش، ۱۳۷۵: ۱۲۲).

۱-۲- نخستین تلاش‌های بریتانیا برای تأسیس کنسولگری و گسترش فعالیت کمپانی هند شرقی از اواسط سده ۱۹م، اغلب ممالک خارجی و برخی کمپانی‌های هند شرقی در ایران نمایندگانی داشتند که وظایف کنسولی، نمایندگی سیاسی و اقتصادی را انجام می‌دادند. این نمایندگان با

داشتن تابعیت ایرانی بعضی دارای تذکره انگلیسی بودند که در بین مردم به «وکیل»، «وکیل شه‌بندر»، «وکیل الدوله» و از اواسط سده ۲۰م به «وکیل السفاره» مشهور بودند که بیشتر به کار جاسوسی، کسب و ارسال اخبار می‌پرداختند (رایین، ۱۳۵۶: ۳۰۹). با افزایش منافع انگلستان در ایران این تشکیلات به قدری رونق یافت که به خبرنگار سفارت شهرت داشتند، در تمام شهرهای مهم ایران حضور یافتند و بدون آن‌ها خیلی از امور پیش نمی‌رفت. اگرچه سیمت آن‌ها هرگز مورد شناسایی رسمی مقامات ایرانی قرار نگرفت؛ اما به‌طور ضمنی وجود آن‌ها و خدماتشان را به نفع دولت انگلستان پذیرفتند (رایت، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

در شیراز از سال ۱۹۱۵-۱۸۰۸م / ۱۳۳۴-۱۲۲۳هـ ق خانواده جعفرعلی خان، نواب هندی، منصب وکیل الدوله و گزارش‌نویسی انگلستان را به عهده داشتند (حسینی فسایی، ۱۳۷۶: ۱۱۱۵/۲-۱۱۱۳). جعفرعلی خان رابط و سخنگوی کمپانی هند شرقی در دربار حکومت فارس بود. سرهارفور جونز تحت تأثیر نبوغ و کاردانی این شخص قرار گرفت و مقام وی را به کارگزاری امور انگلستان در فارس ارتقا داد (رایت، ۱۳۸۵: ۱۰۹). این کارگزاران همه گزارشات و اخبار فارس و بنادر را برای شرکت هند شرقی و حکمران انگلیس می‌فرستادند (رایین، ۱۳۵۶: ۳۱۱). آخرین وکیل الدوله انگلیس از خانواده نواب هندی، غلامعلی خان بود که به دستور اوکانر (Major Frederic O. Connor) به سیمت نایب کنسولی شیراز انتخاب شد. در سپتامبر ۱۹۱۵م / ذی‌قعدة ۱۳۳۴هـ ق، با ترور وی در حال ورود به کنسول‌خانه، دوران خدمت خانواده نواب هندی پایان یافت (اوکانر، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

با گسترش منافع بریتانیا در ایران انگلیسی‌ها از کارایی کارگزاران اظهار نارضایتی کردند و بیان داشتند که کارگزاران سودی ندارند. انگلستان که مانند روسیه از امتیازات دولت‌های کامله الوداد برخوردار شده بود، برای مقابله با نفوذ روس و بالابردن اعتبار خود خواستار گشایش کنسولگری بیشتر در ایران شد؛ بنابراین در سال ۱۸۴۱م / ۱۲۵۷هـ ق ادوارد والتربونهام (Edward Walter Bonham) که به شغل تجارت مشغول بود، به‌عنوان اولین کنسول انگلیس در تبریز انتخاب شد و کیت ادوارد آبوت (Keith Edward Abbott) دیگر بازرگان انگلیسی که سابقه تجارت در کشورهای عثمانی و ایران را داشت، در همین سال رسماً به کنسولگری انگلیس در تهران منصوب شد (رایت، ۱۳۸۵: ۱۱۱). انگلیسی‌ها سومین کنسولگری خود را در سال ۱۸۵۷م / ۱۲۷۳هـ ق، در رشت با هدف حمایت از تجارت پرسود ابریشم و نیز تحت‌نظر قراردادن اقدامات روس‌ها

تأسیس کرد (رایت، ۱۳۸۵: ۱۱۳؛ رایینو، ۱۳۶۳: ۱۵). پس از آن در سال ۱۸۷۹م/ ۱۲۹۶هـ.ق در استرآباد، کنسولگری دایر کرد و آنگاه به تدریج در بوشهر، اهواز، محمره (خرمشهر)، اصفهان، بندرعباس، شیراز و کرمانشاه تا سال ۱۹۰۹م/ ۱۳۲۷هـ.ق، کنسولگری‌های انگلیس دایر شد (رایت، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۱۴). در مرکز و شرق ایران نیز کنسولگری‌هایی تأسیس شد. در سال ۱۸۸۹م/ ۱۳۰۶هـ.ق، دولت بریتانیا برای رویارویی با روس‌ها سرهنگ چارلز مک‌کلین (Maclean) را به‌عنوان کنسول به مشهد فرستادند (رایینو، ۱۳۶۳: ۱۱۵؛ کرزن، ۱۳۸۷: ۱/۲۳۸-۲۳۶). در سال ۱۸۹۳م/ ۱۳۱۰هـ.ق، رئیس بانک شاهنشاهی در یزد به‌سمت کنسول افتخاری انگلیس در آن شهر منصوب شد. در سال ۱۸۹۴م/ ۱۳۱۱هـ.ق، سرپرسی سایکس (Sir Percy sykex) کنسولگری کرمان را افتتاح کرد و چهار سال بعد کنسولگری سیستان را به‌دلیل تقویت تجارت انگلیس و در مقابل روس‌ها تأسیس کردند. در سال ۱۹۰۳م/ ۱۳۲۱هـ.ق، در تربت حیدریه و در سال ۱۹۰۹م/ ۱۳۲۷هـ.ق، در بیرجند افتتاح کردند (رایت، ۱۳۸۵: ۱۲۲). انگلیسی‌ها تا سال ۱۹۲۱م/ ۱۳۴۰هـ.ق در ۲۳ شهر ایران نمایندگی‌های کنسولی داشتند (همان: ۱۰۸).

۲-۲- کنسولگری در شیراز

در سال ۱۹۰۳م/ ۱۳۲۱هـ.ق ژنرال تامسس جورج گراهام (G.Graham) به‌سمت کنسول فارس معین شد و تحت نظارت افسران بریتانیایی، کنسولگری شیراز را افتتاح کرد (لوریمر، ۱۳۸۸: ۲۷۰؛ رایینو، ۱۳۶۳: ۱۳۹). همچنین ژنرال سرپرسی کاکس (Percy Cox Sir) در ژانویه ۱۹۰۴م/ ۱۳۲۲هـ.ق به‌عنوان رزیدنت سیاسی خلیج فارس و سرکنسولی بریتانیا در ایالات جنوبی انتخاب شد و بر کلیه امور کنسولگری‌های ایالات فارس، خوزستان، لرستان، ناحیه لنگه و بنادر و جزایر خلیج فارس، به‌عنوان نماینده پادشاه انگلستان تا اول جنگ جهانی (۱۹۱۴م/ ۱۳۳۳هـ.ق) یعنی به‌مدت ده سال نظارت و رسیدگی می‌کرد (گریوز، ۱۳۸۰: ۳۹ و ۶-۳). از سال ۱۹۲۵-۱۹۰۳م/ ۱۳۴۴-۱۳۲۱هـ.ق، تعداد ۹ نفر کنسول به‌ترتیب در کنسولگری شیراز انجام‌وظیفه می‌کردند که دارای درجه سرلشکر (ژنرال)، سرگرد (کلنل)، سروان (کاپیتان) و برخی دارای القاب مازور و لفتننت بودند (رایینو، ۱۳۶۳: ۱۳۹؛ کیانفر و استخری، ۱۳۶۳: ۱۳۳).

ارکان و ابواب جمعی از کنسولگری شیراز بنا به گزارش منابع این دوره عبارت بوده‌اند از:
 ۱- کنسول؛ ۲- نایب کنسول (اوکانر، ۱۳۷۶: ۱۰۸)؛ ۳- میرزا، منشی ارشد؛ ۴- قاصدهای سواره؛

۵- پیش خدمت‌ها (همان: ۱۱۱)؛ ۶- راپرت نویس؛ ۷- کارمندان بانک شاهنشاهی؛ ۸- کارمندان اداره تلگراف هند اروپایی؛ ۹- شرکت‌های تجاری کمپانی هند شرقی (همان: ۱۲۰)؛ ۱۰- شاخه نظامی کنسولگری که ابتدا شامل هنگ سواره مرکزی هند و پیاده‌نظام، ۱۹۰۷م/ ۱۳۲۵هـ.ق (همان: ۷۳-۸۱؛ سفیری، ۱۳۶۴: ۳۴) و سپس ژاندارمری، قراسوران، ۱۹۱۵-۱۹۱۲م/ ۱۳۳۳-۱۳۳۱هـ.ق، (کیان‌فر و استخری، ۱۳۶۳: ۱۱۹-۱۰۸) و آنگاه پلیس جنوب و نیروهای هندی، ۱۹۱۹-۱۹۱۶م/ ۱۳۳۸-۱۳۳۵هـ.ق بوده‌است (سایکس، ۱۳۶۲: ۲ / ۷۲۴).

هفته‌نامه فارس به‌عنوان یکی از جراید پرتیراژ، از سال ۱۹۱۲م/ ۱۳۳۰هـ.ق به صاحب‌امتیازی فرصت‌الدوله شیرازی منتشر می‌شد؛ اقتدار انگلیسی‌ها در فارس به‌حدی بود که کنسولگری شیراز در سال ۱۹۱۶م/ ۱۳۳۵هـ.ق امتیاز آن را از فرصت‌الدوله گرفت و میرزا فضل‌اله بنان، منشی و مترجم کنسولخانه را مدیرمسئول آن کرد و این جریده ارگان رسمی کنسولخانه در شیراز شد و تا سال ۱۹۱۹م/ ۱۳۳۸هـ.ق منتشر می‌شد و در سرلوحه آن عبارت «در این جریده اخبار رسمی قشون جنوب منتشر می‌شود»، چاپ می‌شد (رکن‌زاده، آدمیت، ۱۳۵۷: ۳۸۱). تمام اعلانات رسمی نمایندگان لشکری و کشوری دولت بریتانیا و کمپانی هند شرقی در فارس در این جریده مندرج بود. همچنین در خلال سطور آن، منویات و عقیده آن نمایندگان نسبت به اوضاع وقت و آتیه ایران و حُبّ و بغض افراد نسبت به خودشان و ماحصل مسلک و خط‌مشی دولت بریتانیا در ایران و کنسولگری شیراز نوشته می‌شد (همان: ۳۹۳-۳۸۱). در اجرای اقدامات کنسولگری شیراز، در این هفته‌نامه چند اعلامیه از لفتننت کرنل گاف، کنسول انگلستان مقیم شیراز، ۱۹۱۸-۱۹۱۶م/ ۱۳۳۲-۱۳۳۱هـ.ق، که تهدیدنامه‌هایی علیه مردم، به‌خصوص علیه عشایر درج شده که لبه تیز حملات، جانب «صولت‌الدوله» قشقایی بوده‌است (هفته‌نامه فارس، ۲۱ جولای ۱۹۱۸م/ ۱۱ رمضان ۱۳۳۶هـ.ق، ضمیمه ۱). در شماره دیگر این جریده «فوق‌العاده فارس»، بیانیه دیگری چاپ شد که در این بیانیه عفو اشرار و زندانیان سیاسی ایرانی و ایجاد امنیت و مسأله تهیه آذوقه برای قشون جنوب را خواستار شده و دست آخر کنسول انگلیس مردم را پند و اندرز داده‌است که: «...خاتمه با نهایت مؤدب و مهربانی به اهالی نصیحت می‌کنم که اعمال و افعالی را مرتکب نگردند که مأمورین انگلیس را به ترک مسلک حالیه و اتخاذ مسلکی مثل عثمانیان و نظامیانی که سابقاً در شمال ایران بودند، مجبور نمایند و در صورتی که فوراً به تحریکات و دسایس جاریه خاتمه داده‌نشود، محرکین و دسیسه‌کنندگان را انذار می‌نمایم که شدیدترین اقدامات را معمول و

می‌فهمانیم که اینک روزی رسیده که دشمنان بریتانیای عظمی از کرده پشیمان گردند» (همان: ۲۹ آوریل ۱۹۱۸م/ ۱۸ رجب‌المرجب ۱۳۳۶هـ.ق، ضمیمه ۲).

۳-۲- کارکردهای عمومی کنسولگری‌ها: روابط کنسولگری انگلستان با حکومت بریتانیا در هند

کنسول‌های روسی از اداره کل قسمت آسیای روسیه و کنسول‌های انگلیسی از اداره کل سیاسی هندوستان دستور می‌گرفتند (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۳۸). اداره امور خارجه هندوستان نصف مخارج کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های بریتانیا را که از افسران انگلیسی مأمور در هند بودند، پرداخت می‌کردند. این افسران که کاملاً به زبان‌های مختلف بومی و محلی تسلط پیدا کرده بودند، در حوزه مأموریت خود می‌توانستند به اقصی نقاط ایران مسافرت کرده و به‌خوبی درمقابل مأموران کنسولی روسیه عرض اندام کنند (ویلسن، ۱۳۶۳: ۱۷).

کنسول‌ها با داشتن مواضع متفاوت، اوضاع محلی را بر یکدیگر می‌شورانیدند و دائماً در یک جنگ سرد و روانی به‌سر می‌بردند. کنسولگری‌ها عده‌ای مأمور مجرب و آگاه به اوضاع ایران در اختیار داشتند و در مواقع لزوم به‌خصوص در هنگام جنگ، در خدمت اهداف و نقشه‌های جنگی دولت‌های مطبوع فعالیت می‌کردند. از این گذشته، در کنسولگری‌های انگلیس «به‌خصوص در جنوب و شرق ایران»، افسران وابسته به حکومت بریتانیا در هند که به‌عنوان افسر کادر سیاسی در بخش ارتش هند کار کرده بودند، هنگامی که به ایران مأمور می‌شدند، درباره وضع عمومی کشور به‌ویژه درباره ایلات و عشایر ایران، دائماً گزارش ارسال می‌کردند (گرگه، ۱۳۷۷: ۱۲۷-۱۲۶).

کنسول‌های دو کشور روس و انگلیس دائماً با انگیزه وطن‌پرستی علیه یکدیگر بسیج می‌شدند. عوامل نفوذی آن‌ها تقریباً متعادل بود. غالب مقامات کشوری و لشکری از شخص شاه گرفته و هر کسی که مسئولیتی را بر عهده داشت، زیر عَلم روس و انگلیس سینه می‌زدند و کنسول‌ها معرکه‌گیران اصلی چنین نمایش غم‌انگیزی بودند. کنسول‌ها با ایجاد تفرقه و به‌جان‌هم‌انداختن افراد و سران هر دو گروه، هر اندازه که می‌خواستند، به نفع کشور خود در حد نهایت بهره‌برداری می‌کردند. در این جنگ پنهانی، هر حيله و نیرنگی را به‌منظور تضعیف یا خلع سلاح رقیب مشروع و حتی مصاب محسوب می‌کردند. کنسول‌ها برای رسیدن به هدف خود، سران گروه مقابل را از هستی ساقط، یا به مقام و موقعیت آنان، چنان لطمه‌ای وارد می‌کردند که قدرت فعالیت‌شان سلب می‌شد (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۳۸). کنسول‌های بریتانیا در حوزه مأموریت خود با

برقراری مناسبات با طبقات فرادست و مقامات محلی، ضمن کاهش اقتدار دولت مرکزی ایران، به گسترش نفوذ سیاسی و منافع اقتصادی بریتانیا اشتغال داشتند (Stebbin, 2009: 78). حقوق کنسولها از لحاظ مقررات بین‌المللی تابع مقررات کشورهای کامله‌الوداد بود و همچنین با داشتن حق قضاوت کنسولی، اتباع و ایرانیان طرفدار خود را نیز تحت‌الحمایه قرار می‌دادند (Windler, 2001: 79-106).

کنسولها و سیاحان اروپایی در دهات و قصبات با نقش پزشک و طبیب اقدام به معالجه بیماران می‌کردند و در گشت‌وگذار مقداری دارو با خود می‌بردند تا در موقع لزوم بیمارانی را که مراجعه می‌کنند، معالجه کرده و صمیمیت آن‌ها را به خود جلب کنند (ویلسن، ۱۳۶۳: ۶۹). کنسولها همچنین وقتی به شکار می‌رفتند، اغلب یک پزشک آن‌ها را همراهی می‌کرد تا دارو و درمان در اختیار ساکنان نقاط دورافتاده بگذارند و تحیب قلوب کنند. حسن‌ظنی که این خدمات پزشکی ایجاد کرده بود تا حدود زیادی الهام‌بخش حکومت هند برای فرستادن هیئت‌های بازرگانی به جنوب و مرکز ایران در سال ۱۹۰۴م/ ۱۳۲۲هـ.ق شد. به دنبال آن پیشنهاد شد در همه کنسولگری‌ها، درمانگاه دایر و پزشک گماشته شود تا به توسعه تجارت کمک کند (رایت، ۱۳۸۵: ۱۲۲). حضور دکتر وولات (Woolat) و معاونش در تابستان ۱۹۱۱م/ ۱۳۲۹هـ.ق، به منظور مداوای مجروحان ناشی از هرج‌ومرج در شیراز توسط قشقای‌ها و قوامی‌ها نیز در همین راستا بود (بشیری، ۱۳۶۶: ۱۴۷۹/۶).

از دیگر وظایف مهم ژنرال کنسول یا کنسولها، ضمن اینکه فعالیت‌های قانونی هم‌میهنانش را تحت حمایت قرار می‌دادند، آن‌ها را از کارهای خطرناک بازمی‌داشتند. (گریوز، ۱۳۸۰: ۱۱۳). کنسولها به‌عنوان سلطان بی‌تاج و تخت، عامل عزل و نصب حکمرانان بودند و در امور جزئی و کلی حکومت دخالت و امر و نهی می‌کردند (همان: ۹۳). از دیگر وظایف عمومی کنسولگری‌ها، ارتباط با کشورهای خارجی و برقراری ارتباط با دفاتر و کنسولگری‌های دیگر کشورهای مقیم در ایران بود (Degeoey, 2010: 6-7). اقدامات و رفتارهای غیردیپلماتیک کنسولها باعث شده بود که حتی موقعی که محافظان‌شان آن‌ها را همراهی می‌کردند، تقریباً در همه جای ایران مورد حمله قرار می‌گرفتند (گریوز، ۱۳۸۰: ۴۴).

۴-۲- کارکرد تجاری کنسولگری: روابط تجاری با بمبئی

کنسولگری به غیر از فعالیت‌های معمول سیاسی، وظیفه حمایت و همکاری با تجار انگلیسی و

کشورهای همسو در ایالت فارس را برعهده داشتند، تا در همه‌جا به‌عنوان اتباع انگلیس احساس امنیت کرده و با خدمات اطلاعاتی کنسولگری، زمینه برای پیشرفت آن‌ها فراهم شود (گروته، ۱۳۶۹: ۲۷۲). اهمیت تجارت برای انگلیس برابر با تأسیس کنسولگری و گماردن کنسول‌ها بود؛ یعنی اینکه تجارت بدون نصب کنسولگری مقرون به شکست بوده‌است؛ بنابراین در همه ادوار، کشورهای استعماری ایجاد تجارت را منوط به برقراری کنسولگری کرده‌اند (واتسن، ۱۳۴۰: ۹۹). مهم‌ترین سیاست بریتانیا در این دوره، ایجاد نظم و آرامش در راه‌های ارتباطی با هدف توسعه تجارت و تأمین امنیت، خطوط تلگراف، حفظ موقعیت سیاسی و مدیریت تحولات و نظارت بر حوزه‌های نفوذ در شرق بود. این سیاست، ناگزیر اوضاع فارس را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. در فارس و ایالت‌های جنوبی ایران راه‌های مهمی وجود داشت که مناطق تجاری مرکز کشور را با هندوستان و حاشیه‌های جنوبی خلیج فارس مرتبط می‌کرد. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، مهم‌ترین این راه‌ها و مشهورترین آن‌ها، جاده بوشهر-کازرون به شیراز بود (سفیری، ۱۳۶۴: ۳۰).

با فعالیت بیشتری که تجارت از راه جنوب به‌دست آورد؛ شیراز، هم از جهت مصرف کالا و هم از جهت راه ارتباطی سهم بسزایی کسب کرد و اکثر تجار ایرانی در این شهر نماینده داشتند. در شیراز کالاهایی از قبیل: ابریشم، پشم، گلاب، تیغه فلزی و وسایل بُرنده مانند شمشیر و چاقو، شیشه، کاشی، سفال و تریاک تولید می‌شد (کرزن، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۲). واردات شیراز پارچه نخی از منچستر، پشمی از آلمان و اتریش، قند از ماری (قند روسی فقط تا اصفهان می‌رسید)، شکر خام از جاوه و جزیره موریس، ظروف و قاشق و چنگال از فرانسه و آلمان و اتریش، ورقه‌های مسی از انگلستان و هلند، چای از هند و سیلان و جاوه و چین و شمع از آمستردام بوده‌است (همان).

صادرات عمده شیراز، تریاک بود که گفته می‌شد هر ساله ده تا پانزده هزار صندوق از نواحی یزد و شیراز صادر می‌شد و پنبه، که در بوشهر بسته‌بندی و به مقصد بمبئی صادر می‌شد. خشکبار به‌خصوص بادام و زردآلو و نیز تنباکوی مشهور شیراز که محصولات محلی بود، در همان‌جا مصرف می‌شد و صادرات به ترکیه و سوریه را از سایر نقاط می‌آوردند (همان). از صنایع و مصنوعات دیگر شیراز که برای خریداران اروپایی ساخته می‌شد و نظرها را جلب و مایه شهرت شیراز شده بود، قلیان و سرقلیان‌های میناکاری و اقلام دیگر از قبیل قاب عکس بسیار ظریف، نمک‌پاش که با طرح‌های شرقی برای خریداران اروپایی می‌ساختند، خاتم‌کاری بر چوب، برنج،

نقره، عاج و استخوان به رنگ‌های مختلف و از محصولات طبیعی آنجا یکی گلاب و دیگری بلبل بود (همان: ۱۲۴). اسب از دیگر صادرات شیراز به هندوستان بوده‌است (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۱: ۳۶۳). همچنین تجار روس و عثمانی از شیراز پوست خریداری و به کشور خود صادر می‌کردند (همان: ۷۰۷ و ۶۳۱).

با آغاز حکومت مشروطه، ۱۹۰۶م/ ۱۳۲۴هـ.ق، اوضاع کشور سال‌ها دچار بی‌نظمی و آشفتگی و خشونت شد (اوکانر، ۱۳۷۶: ۵۰-۳۹). در آن ایام تمام ایالت‌های ایران دستخوش شورش و قتل و غارت شد و ایالت فارس نیز مانند سایر ایالات گرفتار هرج و مرج بود (همان: ۶۲-۵۹). بازرگانی انگلیس نیز در جنوب همواره در معرض خطر بود. اکثر عمارات کنسولگری انگلیس و نیروهای محافظ کنسول‌ها که از هندوستان اعزام می‌شدند، مورد حمله قرار می‌گرفتند و کنسول‌ها و اتباع انگلیس به دست اشرار می‌افتادند و اموال آن‌ها به سرقت می‌رفت و گاهی خود آن‌ها نیز به قتل می‌رسیدند (ویلسن، ۱۳۶۳: ۳۷). در نوامبر ۱۹۰۷/ شوال ۱۳۲۵، اوضاع شیراز به‌حدی نابسامان شد که گراهام کنسول انگلیس به سر چارلز مارلینگ (Sir Charles Marling)، وزیر مختار، گزارش داد اوضاع شیراز به قدری سخت است که جان و مال اتباع انگلیس در معرض مخاطره است (بشیری، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۲۲). در سال ۱۹۱۰-۱۹۰۹م/ ۱۳۲۸-۱۳۲۷هـ.ق اوضاع خیلی بدتر شده بود؛ به‌گونه‌ای که در سه ماهه اول، واردات ۴۱/۵۸۵ لیبره بوده‌است. عامل اصلی همه این نابسامانی‌های تجارتي، عدم امنیت در راه‌های کاروان‌رو بوده‌است (همان: ۶۵۷).

دولت انگلیس در ۱۶ اکتبر ۱۹۱۰م/ ۱۱ شوال ۱۳۲۸هـ.ق اولتیماتوم داد که اگر برقراری نظم و امنیت در راه‌های تجاری جنوب ایران، بوشهر- شیراز به اصفهان، به‌طور دلخواه انگلیس در مدت سه ماه انجام نشود، خود دولت انگلیس برای محافظت راه‌های مذکور قشونی تحت فرماندهی صاحب‌منصبان انگلیسی برقرار خواهد کرد (کیان‌فر و استخری، ۱۳۶۳: ۱۰۷). با وجود همه این معضلات، بنا به گزارش ناکس کفیل کنسولگری شیراز طی سال‌های ۱۹۱۲-۱۹۰۸م/ ۱۳۳۰-۱۳۲۶هـ.ق، ۱۴ کمپانی و شرکت‌های انگلیسی در فارس به امر تجارت مشغول بودند که در این مدت ۶۴ مرتبه مورد حمله و غارت ایلات و عشایر قشقایی، خمسه و بویراحمندی واقع شدند. در این میان ۷۳۸۱۶۵ قران قیمت اموال مسروقه بوده‌است (بشیری، ۱۳۶۲: ۷/ ۱۶۲۶-۱۶۲۲). با آغاز جنگ جهانی اول ۱۹۱۴م/ ۱۳۳۲هـ.ق، خشونت‌ها و راهزنی‌های قافله‌های تجاری همراه با گرفتن عوارض راهداری به مقدار زیاد افزایش یافت؛ اگرچه جنوب ایران همچنان برای انگلیسی‌ها از نظر

استراتژیکی و سوق‌الجیشی بسیار حائز اهمیت بود (کیان‌فر و استخری، ۱۳۶۳: ۱۶۵)؛ بنابراین سیاست تأمین و حفظ منافع و مصون‌سازی تجارت بریتانیا از صدمات موجود، انگلیسی‌ها را بر آن داشت تا اقدام به تشکیل نیروی نظامی بومی تحت فرماندهی سرپرسی سایکس و یک عده از افسران انگلیسی قشون هندوستان به نام «پلیس جنوب» (S.P.R) کنند (سایکس، ۱۳۶۲: ۲/۷۰۰).

اسناد تجاری کنسولخانه انگلیس در شیراز طی سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۳م/ ۱۳۳۲-۱۳۳۱هـ.ق، درباره منفعت تجارت و تحدید قیمت حمل مال‌التجاره با حیوانات در راه بوشهر- شیراز منجر به ردوبدل مکاتبات بسیاری مابین کنسولگری‌های شیراز، بوشهر و تهران و حکومت‌های دهلی و لندن شده بود. به‌طور کلی در همه این مکاتبات، انگلیسی‌ها یک مسأله اساسی را تعقیب می‌کردند و آن هم بیرون‌کردن تجارت غیرانگلیس از ایران بود (کیان‌فر و استخری، ۱۳۶۳: ۱۶۵). انگلیسی‌ها با تمام قوا علیه تجارت روس در جنوب اقدام می‌کردند. حمل و نقل مال‌التجاره‌ها را در راه بوشهر- شیراز، بهتر از همه چیز برای منافع خود مفید می‌دانستند و تصمیم آن‌ها این بود که بازار اصفهان را که جزء منطقه نفوذ روس محسوب می‌شد، از امتعه روسی پاک کنند (همان).

کنسول‌های انگلیس با کمال مراقبت و دقت، هرگونه اقدامات تجاری را چه در منطقه نفوذ یا منطقه بی‌طرف، چه سرمایه روسی یا سرمایه مملکت دیگری را مورد پی‌گیری قرار می‌دادند. بی‌شک گشودن راه بوشهر- شیراز به‌منظور تسلط بر منطقه جنوب ایران برای نیروهای انگلیسی حیاتی بود. آن‌ها سعی داشتند به هر بهایی این راه را باز کنند؛ ولی تا پایان جنگ جهانی این راه به روی آنان همچنان بسته ماند (فن‌میکوش، ۱۳۷۵: ۳۱۸).

بالاخره پس از دو دهه مبارزه مجاهدان علیه انگلیس در ایالت فارس و خسارت‌های بی‌شماری که بر اقتصاد و تجارت بریتانیا وارد شد، کنسولگری بریتانیا در شیراز، لغت‌نست کرنل هاتسن، خدمات کشوری هند، در روز پنجشنبه ۳۰ ژانویه ۱۹۱۹م/ ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ق، با فراخوانی کلیه فرماندهان ارشد قشون جنوب ایران با حضور در کازرون و با ایجاد حکومت نظامی و پست‌های پلیس جنوب در جاده شیراز- کازرون، عجلتاً توانستند اوضاع راه‌های این سامان را در جهت امر تجارت امنیت بخشند (هفته‌نامه فارس، ۱۳۳۷هـ.ق/ ۱۹۱۹م، ش ۲۰: ۶؛ ضمیمه ۳). بدین ترتیب انگلیسی‌ها بعد از آنکه با همگرایی با روس‌ها مانع پیشرفت و اصلاحات در ایران شدند، تجارت ایران را نیز وابسته به خود کردند و جمیع مساعی ایران را در جهت امنیت راه‌ها و رشد و تجارت خود به‌کار گرفتند و همچنان به اهداف استعماری خود ادامه دادند.

۵-۲- دولت بریتانیا و کارکردهای مالی و اداری مؤسسات انگلیس در ایالت فارس

مشکل اصلی سیاست داخلی ایران، بستگی به نظم و ترتیب به وضعیت مالی داشت. حل مشکل مالی رفع تمام مشکلات کشور بود (گرگه، ۱۳۷۷: ۵۰). چرخ امور مالی دولت همچنان از طریق قرض گرفتن اداره می‌شد و کل ساختار مالی ایران بر پایه کمک‌های انگلستان استوار بود (گریوز، ۱۳۸۰: ۱۹۶). در این راستا امور مالی ایالت فارس در دست دولت بریتانیا و کلیه وجوهی که توسط وکیل خزانه‌داری کل در شیراز پرداخت می‌شد، با نظارت کلی و مشورت کنسول اعلی‌حضرتی انجام می‌گرفت (بشیری ۱۳۶۹: ۸/۱۹۱۴). از سال ۱۹۱۱م/ ۱۳۲۹هـ.ق به بعد، حکومت محلی فارس برای اداره امور خارجی خود بیشتر متکی به کمک‌هزینه سالیانه دولت بریتانیا شد و کنسول انگلیس کارپرداز افتخاری فارس شده بود (رایت، ۱۳۵۸: ۱۲۲-۱۲۱). انگلیسی‌ها برای انجام اصلاحات اداری و حکومتی به دولت ایران وام می‌دادند و از این طریق از تشکیلات ژاندارمری پشتیبانی می‌کردند (اوکانر، ۱۳۷۶: ۷۵).

اگرچه براساس قرارداد ۱۹۰۷م/ ۱۳۲۴هـ.ق انگلیس-روس، فارس جزء منطقه تحت نفوذ انگلیس و روس نبود و این امر عملاً استخدام مشاوران انگلیسی یا روسی را غیرممکن می‌ساخت؛ اما سروان مریل (Merrill) تبعه آمریکا و شاغل در ژاندارمری، با موافقت انگلیس به‌عنوان مشاور حکمران کل فارس تعیین شد و بدین ترتیب تشکیلات اداری فارس تکمیل شد. یک ایرانی با مشاور آمریکایی، حکمران کل ایالت، یک بلژیکی رئیس کل امور مالی و افسران سوئدی مسئول ژاندارمری شدند (همان: ۸۷). یک آمریکایی همراه با یک فرانسوی، با کمک «دریابیگی» قشون را سروسامان می‌دادند. هزینه موردنیاز همه این تشکیلات را دولت بریتانیا تأمین و از طریق کنسول پرداخت می‌کرد. کنسول وظیفه داشت که نظارت کلی بر مصرف درست وجوه پرداختی را داشته‌باشد (همان: ۷۰).

در ژانویه ۱۹۱۲م/ محرم ۱۳۳۱هـ.ق وضعیت مالی از هر نظر مایوس‌کننده بود؛ به‌نحوی که خزانه‌داری ورشکسته و عایدات نیز اندک شد و ضمانت اجرایی بر تحصیل مالیات وجود نداشت. ماه‌ها بود که حقوق ماهیانه اکثر مقامات رسمی، سربازان و مأموران نظمیۀ پرداخت نشده بود. در این مرحله پادشاه انگلستان موافقت کرد وامی به مبلغ سی هزار لیره، به‌خصوص برای استفاده حکومت فارس در اختیار دولت ایران بگذارد و این وجه به حساب بانک شاهنشاهی شعبه شیراز واریز شد و کنسول انگلیس حق نظارت بر این امر را داشت و مجاز به دخالت در نحوه مصرف

وام بود. کنسول می‌بایست مقدار موردنیاز را به نماینده مالیه پرداخت کند (همان: ۷۹-۷۷). دولت انگلیس سال بعد مبلغ پنجاه هزار لیره به دولت ایران وام داد. این مبلغ نیز به همان نحو به حکومت فارس اختصاص داده شد. این دو کمک مالی، به اضافه مبلغی که جداگانه به ژاندارمری فارس اختصاص یافته بود، خزانه‌داری ایالت فارس را از ورشکستگی نجات و دستگاه حکومتی را مجدداً سامان داد (همان: ۷۸). در دسامبر ۱۹۱۲م/ ذی‌الحجه ۱۳۳۰هـ ق سروالتر تاونلی (Sir Wilter Townle) وزیر مختار انگلیس، به اطلاع وزیر خارجه ایران می‌رساند که بنا به دستور، دولت بریتانیا موظف شده است که مبلغ ۱۵۰۰۰ لیره دیگر برای احتیاجات مالی فارس به دولت ایران مساعدت داده شود، وجه در خزانه کل قرار گرفته و حسابی جداگانه در بانک شاهنشاهی مفتوح شده است. این پول باید به مصارفی برسد که ایالت فارس و کنسول انگلیس و وکیل مالیه خزانه‌داری درباره چگونگی مصرف آن تصمیم‌گیری کنند (بشیری، ۱۳۶۹: ۲۰۲۹/۸). اروپاییان در شیراز رئیس ادارات بودند؛ استاز (M. Stas) رئیس مالیه، اوگلا (Ugla) رئیس ژاندارم و مریل آمریکایی فضول نظام با مشورت اوکونر کنسول انگلیس و بدون رجوع به والی فارس امر و نهی می‌کردند و کنسول، رئیس اجزای اروپایی شده بود. دریابگی نیز به‌عنوان فرمانده نظامی به امید حکومت بنادر، مطیع کنسول بود و تلگراف‌خانه‌ها نیز با نظارت کنسول هر روز وقایع را گزارش می‌دادند (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۲۴-۳۱۸). هدایت در این خصوص می‌نویسد: «کنسول می‌گوید: مخارج ژاندارم را انگلیس می‌دهد، استاز حقوق از دولت ایران می‌گیرد و نوکر اجنبی است، مالیه گوش است برای اطاعت کنسول، اولیای دولت بین من و مأمورین خارجه مگس نقاله!» (مخبرالسلطنه، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

۶-۲- کنسولگری و بست‌نشینی

سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های دولت‌های بیگانه، یک پناهگاه مصون از تعرض محسوب می‌شد که هیچ قدرتی حق ایجاد مزاحمت برای پناهندگان را نداشت. در این راستا در ایالت فارس کنسول‌ها برای ایجاد تفرقه بین سران ایلات و عشایر و دودسته‌گری بین اقشار مختلف مردم شیراز به ایل‌خان‌ها یا خانواده‌های ذی‌نفوذ از جمله خاندان قوامی‌ها که خود را مدیون انگلیسی‌ها می‌دانستند، حمایت کنسولی و تحت‌الحمایگی و اجازه به بست‌نشینی در کنسولگری یا در تلگراف‌خانه را می‌دادند (میکوش، ۱۳۷۵: ۱۲۷).

در ژوئن سال ۱۹۰۶م/ جمادی‌الاول ۱۳۲۴هـ.ق، سرایولین گرانت داف کاردار سفارت انگلیس در تهران گزارش داد که سیصد نفر در کنسولگری شیراز بست نشسته‌اند و علاوه بر آن، پسر قوام‌الملک رئیس نیرومند قبایل خمسه در دفتر تلگراف هند و اروپا در آباده بست نشسته است (رایت، ۱۳۶۴: ۳۶۳). در ۱۰ دسامبر ۱۹۰۸/ ۱۶ ذی‌القعدة ۱۳۲۶هـ.ق، تعدادی از بزرگان شیراز که از اقدامات سردار فیروز، کفیل امور ایالت فارس به ستوه آمده بودند، به کنسولخانه شیراز پناهنده شدند و به ژنرال سرپرسی کاکس، درخواست خروج خود را از طریق بوشهر به خارج ارائه کردند (بشیری، ۱۳۶۲: ۲۸۶/۱). در اوایل ماه مه ۱۹۰۹م/ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷هـ.ق، صد نفر از سربازهای فوج چهارم حال به واسطه عدم پرداخت حقوقشان به کنسولخانه شیراز پناهنده شدند (همان: ۶۰۴/۳).

سفارت انگلیس و کنسولگری‌ها آماده بودند تا هر کسی را که به نوعی مورد علاقه آن‌هاست، تحت‌الحمایه قرار دهند. این موضوع در شیراز نسبت به خانواده قوامی‌ها که مورد حمایت انگلیسی‌ها بودند کاملاً رعایت می‌شد؛ چنانچه حبیب‌اله خان قوام‌الملک که در جریان حسینیه قوام مدت‌ها شیراز و فارس را دچار بحران کرده بود، تحت‌الحمایه کنسولگری انگلیس قرار گرفت (همان: ۱۰۴۳/۵).

از آنجا که وراثت شهدای حسینیه قوام، از حکومت و نظام‌السلطنه فرمانروای فارس، خواستار قصاص حبیب‌اله خان قوام‌الملک و برادرش نصرالدوله شدند، مستر ناکس (knox) کفیل کنسولگری شیراز، مصراً از نظام‌السلطنه خواست که قوامی‌ها را روانه اروپا کند. در ۶ مه ۱۹۱۱م/ ۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۹هـ.ق، قوام‌الملک و برادرش نصرالدوله که به سفارش کنسول انگلیس تحت‌الحفظ عازم تبعید به اروپا بودند، مورد حمله ایلات قشقایی قرار گرفتند، نصراله‌الدوله کشته شد و قوام‌الملک فرار کرد و با تبدیل لباس به نیم‌تنه اروپایی در بر و کلاه‌فرنگی بر سر، به کنسولخانه شیراز پناهنده شد (همان: ۱۱۱۴-۱۱۱۳/۵). به‌دنبال این رخداد، ایل خمسه به طرفداری از قوام برخاست و تعداد سه هزار نفر جنگجو به شیراز اعزام داشت و قشقایی‌ها نیز در مقابل، همین شیوه را در پیش گرفتند که در نتیجه شهر شیراز به مدت ۵ ماه بست‌نشینی قوام در کنسولگری، کاملاً به صحنه‌ای از شورش، قتل، جنگ و چپاول مبدل شد؛ به‌گونه‌ای که حدود ۵۰۰ نفر جان باختند. سرپرسی کاکس تمام تلاش خود را به‌کار بست تا نظام‌السلطنه را از چنین تحریکاتی بازدارد، ولی اقدامات موفقیت‌آمیز نبود (گریوز، ۱۳۸۰: ۹۳-۹۲).

سر ادوارد گری، وزیر امور خارجه انگلستان، به سر جرج بارکلی، سفیر انگلیس، در مورد پناه‌دادن قوام‌الملک در کنسولگری شیراز دستور تلگرافی داده که در ضمن آن آمده‌است: «دولت ایران و فرمانروای فارس هر دو را باید اخطار نمود که هرگاه اقدامی بی‌رویه و هتکی بر ضد کنسولخانه دولت فخریه بشود، نتایج وخیمه خواهد داشت. ما نمی‌توانیم برخلاف عادت مقرر در ایران از بست موقتی، قوام‌الملک را که تقریباً از کشته‌شدن جان به‌در برده مضایقه کنیم و از طرف دیگر هم آرزوی آن را نداریم که او از مجازات عادلانه هر خیانت و تقصیری که مرتکب آن باشد، او را پناه دهیم؛ اما در صورتی می‌توانیم مشارالیه را تسلیم نماییم که تأمین کامل حاصل کنیم که عادلانه و بی‌غرضانه استنطاق و یا از مملکت اخراج شود و آن هم موکول است بر اینکه در آن ضمن جانش محفوظ باشد» (بشیری، همان: ۵ / ۱۰۶۱).

در واکنش به این مسائل و شروطی که قوام‌الملک گفته‌بود، صمصام السلطنه، رئیس‌الوزراء، راجع به تضمین امنیت او از طرف نایب‌السلطنه و کنسولگری بریتانیا و حفظ املاک وی در فارس و واگذاری حکومت کرمان به او و انتصاب فرزندش به ریاست ایل خمسه قول مساعدت داد (همان: ۶ / ۱۴۶۷). بدین ترتیب قوام‌الملک به اقامت پنج ماهه خود در کنسولگری شیراز پایان داد (همان: ۶ / ۱۴۷۸-۱۴۷۵ و ۱۳۳۹).

۷-۲- کنسولگری و اقلیت‌های مذهبی

خط‌مشی حمایت از اقلیت‌های مذهبی از سیاست جهانی بریتانیا «نگهبانان وجدان در جهان» نشأت می‌گرفت که بدون توجه به مداخله در امور داخلی کشورها به حمایت از اقلیت مذهبی می‌پرداختند (برومند، ۱۳۶۱: ۲۹۱).

یهودیان: در ۳۰ اکتبر ۱۹۱۰م / ۲۶ شوال ۱۳۲۲هـ.ق، عده‌ای از اهالی شیراز به دارالحکومه هجوم می‌آوردند و جسد دختری را که مدعی بودند یهودی‌ها آن را کشته‌اند، به قوام‌الملک ارائه می‌دهند و سپس به اداره عدلیه ریخته و آنجا را تخریب و اسناد و اثاثیه آنجا را غارت می‌کنند و قوام‌الملک را نیز تهدید به قتل می‌کنند و سپس اهالی شیراز و عده‌ای از قشقای‌ها به منازل یهودیان یورش می‌برند که در این یورش تمام خانه‌های آن‌ها غارت و ۱۱ نفر مقتول و ۱۵ نفر یهودی مجروح می‌شود. مستر اسمارت، کفیل کنسولگری شیراز، بلافاصله از محل یهودیان بازدید و ضمن گزارش موضوع به مقامات انگلیسی، کنسول اقدام به دفتر اعانه‌ای برای کمک فوری و

استخلاص یهودیان از وضع موجود می‌شود (بشیری، ۱۳۶۲: ۴ / ۹۶۱-۹۶۰). کنسول‌های انگلیسی مقیم شیراز در راستای درخواست کمیته اتحاد اسرائیلی مقیم لندن از سفارت انگلیس حمایت همه‌جانبه‌ای از یهودی‌های مقیم شیراز می‌کرده‌اند (همان: ۴ / ۹۴۹).

زرتشتیان: با حمایت دولت بریتانیا در سال ۱۸۸۲م / ۱۲۹۹هـ.ق، مالیات (جزیه) زرتشتیان لغو شد (خالصی، ۱۳۶۶: ۱۰۳). بنا به گزارشات «کتاب آبی»، روند حمایت سفارت انگلیس و کنسولگری شیراز تا اوایل سده ۲۰ ادامه داشته‌است. نامه مستر مارلینگ، وزیر مختار انگلیس، به سر ادوارد گری، وزیر خارجه، در ۲۶ فوریه ۱۹۰۸م / ۲۳ محرم ۱۳۲۶هـ.ق، مبنی این مطلب است که یکی از معتمدان زرتشتی با مراجعه به سفارت می‌گوید: «برادرم، پرویز، را در سال گذشته در شیراز به قتل رسانیده‌اند. فریدون زرتشتی را هم در تهران مقتول نموده‌اند. یکی دیگر از بزرگان زرتشتی مقیم شیراز را کتباً تهدید به قتل نموده‌اند و بدین طریق زرتشتیان در سرتاسر ایران به وحشت افتاده‌اند و درخواست کمک از دولت انگلستان نموده‌اند.» بر مبنای این اظهارات، سفیر انگلیس از وزیر خارجه ایران و نمایندگان مجلس شورای ملی و همچنین از شاه درخواست بررسی موضوع و حمایت از زرتشتیان را می‌کند و طی یادداشتی به مشیرالدوله می‌نویسد که بنا به گزارشات کنسولگری‌های شیراز و یزد، وضع زرتشتیان در این دو شهر بسیار ناگوار است و چون زرتشتیان تحت حمایت دولت فخیم انگلستان هستند، موضوع به‌سادگی قابل گذشت نیست و تقاضای آسایش و امنیت آن‌ها را به هر طریق ممکن می‌نماید و اضافه نموده‌است اگر تمهیدات جدی درخصوص امنیت آن‌ها انجام نگیرد، با توجه به اینکه پارسیان همگی تجارت‌پیشه هستند، ضرر جبران‌ناپذیری بر مملکت وارد خواهد گردید. پیشنهاد می‌کنم مؤثرترین راه رضایت زرتشتیان، مجازات اشخاصی است که در قتل و اذیت و آزار آن‌ها اقدام نموده‌اند (بشیری، ۱ / ۱۶۳-۱۶۲).

پیرو درخواست سفارت انگلیس از مقامات ایران در حمایت از زرتشتیان، مستر گراهام، کنسول شیراز، گزارش داد که مسئولان و معتمدان شیراز تصمیم گرفتند با زرتشتیان با مدارا و دوستی رفتار شود و گراهام تاجر زرتشتی را که مورد تهدید قرار گرفته بود، مورد حمایت کنسولی قرار داد (همان). در ۲۱ فوریه ۱۹۰۹م / ۲۹ محرم ۱۳۲۹هـ.ق، یکی از مأموران حکومت فارس دو نفر از زرتشتیان را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهد. جان هوگو هپبورن بیل کنسول (John hogo Hepburn Bill)، منشی کنسولگری را به دارالحکومه فرستاده و نسبت به این واقعه که آسایش

زرتشتیان به خطر افتاده‌است، اعتراض می‌کند و با اعلام مجازات مجرم، حمایت خود را از زرتشتیان اعلام می‌کند (همان: ۲/ ۴۷۲).

پیرامون سایر کارکردهای کنسولگری شیراز، هفته‌نامه فارس به‌عنوان ارگان رسمی کنسولگری، گزارش‌های مهمی را درج کرده‌است: ۱- سانسور تمام مکاتبات، پست‌کارت‌ها و تلگراف‌های شیراز به کلیه نقاط داخلی و خارجی (هفته‌نامه فارس، ۱۹۱۷م/ ۱۳۳۶هـ.ق، ش ۲۱: ۱۰)؛ ۲- اجازه صدور مواد و اجناس مهم تجاری (همان: ۱۹۱۸م/ ۱۳۳۷هـ.ق، ش ۲۲: ۱۲-۱۱)؛ ۳- حمایت کنسولی از ورود و خروج زوار عتبات و عالیات و قرنطینه آنان (همان: ش ۲۰: ۵-۴؛ ش ۲۶: ۱۲)؛ ۴- اجازه ورود و خروج مسافران از خلیج فارس به بصره و قرنطینه آنان (همان: ش ۳۸: ۸)؛ ۵- صدور اعلانیه منع تجارت امانات پستی پارچه، اجناس خرازی و از این قبیل کالاها (همان: ش ۴۲: ۲۲)؛ ۶- اختطاریه و حکم نظامی منع تزویج هندی‌ها با زنان ایرانی و سکته شیراز (همان: ش ۲۳: ۱۱)؛ ۷- دعوت‌نامه برای اعانه عجزه و متقاعدین نظامی انگلیس (همان: ش ۲۵: ۶)؛ ۸- نشر دعوت‌نامه اعانه صلیب احمر بریتانیا و امتنان و حق‌شناسی نسبت به اشخاصی که کمک نمودند (همان: ش ۴۸: ۶)؛ ۹- صدور انواع اختطاریه‌های دولت انگلستان در رابطه با منافع خودشان (همان: ش ۲۱: ۳؛ ش ۲۳: ۱۲؛ ش ۲۵: ۸؛ ش ۲۶: ۱۲؛ ش ۳۲: ۱۲).

۳- نتیجه

کنسولگری بریتانیا و تعامل آن با کمپانی هند شرقی در فعالیت‌های تجاری و سیاسی، در راستای رقابت‌های استعماری سده ۱۹م شکل گرفت. ایالت فارس مرکز بازرگانی مهمی برای تجارت بریتانیا و کمپانی هند شرقی بود؛ به‌طوری که سخنگوی کمپانی هند شرقی در دربار حکومت فارس ساکن بود. صادرات فارس به بمبئی و دیگر بنادر هندوستان عمدتاً پنبه، اسب و تریاک بود. کنسولگری شیراز از منابع مالی، نظامی و اداری کمپانی هند شرقی بهره می‌برد و تحت اداره سیاسی هندوستان بود.

ایالت فارس به‌علت موقعیت جغرافیایی و اهمیت آن در تجارت جهانی مورد توجه رقبای اروپایی قرار گرفت و به عرصه رقابت‌های استعماری کشیده شد. انگلیسی‌ها اتباع زیادی در شیراز داشتند. آن‌ها با تأسیس کنسولگری و تجارتخانه و شرکت‌های تجاری در شیراز، خرید و فروش کالاهای مختلفی را در اختیار گرفتند و به توسعه نفوذ در این منطقه پرداختند. کنسولگری بریتانیا

به دلیل ضعف حکومت مرکزی و بی‌درایتی حاکمان محلی و رقابت‌های ایلی و طایفه‌ای و فقدان سازمان‌های اداری مناسب، کارکردهای گسترده‌ای داشت. کنسول‌ها نظارت کلی بر تلگراف‌خانه، بانک شاهنشاهی، دفاتر مالی، نمایندگی شرکت‌های تجاری و امور نظامی و انتظامی اعمال می‌کردند و ابلاغ اخطاریه‌های دولت بریتانیا را در رابطه با منافعشان بر عهده داشتند. کنسول‌ها همچنین اقدام به ایجاد درمانگاه‌ها، جمع‌آوری کتب خطی و عتیقه‌جات، نقشه‌برداری جغرافیای سیاسی و اقتصادی و آشنایی با امور فرهنگی-اجتماعی، تمدنی و کسب اطلاعات از ذخایر نظامی و مالی می‌کردند. کنسول‌ها از یک طرف با حمایت کنسولی، از بست‌نشینی و اقلیت‌های مذهبی و با ارائه خدمات پزشکی به عامه مردم تحبیب قلوب می‌کردند و از سوی دیگر، با سیاست ایجاد تفرقه، سران ایلات و عشایر را به جان هم می‌انداختند. کنسول‌ها به‌عنوان سلطان بی‌تاج و تخت و با اقدامات و رفتارهای غیردیپلماتیک خود، نه تنها عامل عزل و نصب حکمرانان بودند؛ بلکه در همه امور کلی و جزئی ایالت فارس دخالت و امر و نهی می‌کردند. ماهیت اقدامات بریتانیا در فارس بیشتر مبنای اقتصادی و بازرگانی داشت و هدف از فعالیت اجتماعی-فرهنگی و خدماتی آنان کسب محبوبیت و اعتبار و نفوذ بوده است.

فایده این تحقیق ناظر بر جنبه‌های عملکردی دارد که می‌توان در مجامع علمی و دانشگاهی، وزارت امور خارجه، کمیسیون امنیت ملی و مراکز راهبردی و امنیتی و اقتصادی و در نهایت، به منظور تنویر افکار عمومی مورد استفاده مخاطبان قرار گیرد.

۴- منابع

- ۱- امین، عبدالامیر، **منافع بریتانیا در خلیج فارس**، ترجمه علی رجبی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۲- انوری، امیرهوشنگ، **خلیج فارس**، تهران: خانه تاریخ، ۱۳۹۰.
- ۳- اوین، اوژن، **ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶م**، ترجمه اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۶۲.
- ۴- اوکانر، فردریک، **خاطرات فردریک اوکانر**، ترجمه حسن زنگنه، تهران: شیرازه، ۱۳۷۶.
- ۵- برومند، صفورا، **سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر ۱۹۱۴-۱۷۶۳م** / ۱۳۳۲-۱۱۷۷ه.ق، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۱.
- ۶- _____، **سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر**، نشریه تاریخ روابط خارجی، سال اول، شماره ۱. صص ۴۸-۳۱، زمستان ۱۳۷۸.
- ۷- _____، **کنسولگری بوشهر و تجارت اسلحه در خلیج فارس**، نشریه تاریخ روابط خارجی، سال سوم، شماره ۱، صص ۸۶-۷۵، بهار ۱۳۸۱.
- ۸- بشیری، احمد، **کتاب آبی**، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس، ج ۸-۱، تهران: نو، ۱۳۶۲-۱۳۶۹.
- ۹- بنان، میرزا فضل‌اله، **هفته‌نامه فارس**، سال دوم، شماره ۲۱، ص ۱۰، ۱۹۱۷م / ۱۳۳۶ه.ق.
- ۱۰- _____، **هفته‌نامه فارس**، سال سوم، شماره ۲۲، ص ۱۲-۱۱؛ شماره ۲۰، ص ۵-۴؛ شماره ۲۱، ص ۳؛ شماره ۲۳، ص ۱۲؛ شماره ۲۵، ص ۸؛ شماره ۲۶، ص ۱۲؛ شماره ۳۲، ص ۱۲، ۱۹۱۸م / ۱۳۳۷ه.ق.
- ۱۱- _____، **هفته‌نامه فارس**، سال چهارم، شماره ۲۰، ص ۶، ۱۹۱۹م / ۱۳۳۸ه.ق.
- ۱۲- حسینی فسایی، میرزا حسن، **فارسنامه ناصری**، به تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- ۱۳- خالصی، عباس، **تاریخ بست و بست‌نشینی**، تهران: علمی، ۱۳۶۶.
- ۱۴- دومورینی، گوستاو، **عشایر فارس**، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۵- رابینو، لویی، **دیپلمات‌ها و نمایندگان کنسول‌های ایران و انگلیس**، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۳.
- ۱۶- رازی، منیره، **پلیس جنوب**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

- ۱۷- رایت، دنیس، *ایرانیان در میان انگلیسی‌ها*، ترجمه منوچهر طاهر نیا، تهران: آشتیانی، ۱۳۶۴.
- ۱۸- _____، *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمه اسکندر دلد، تهران: نهال، ۱۳۸۵.
- ۱۹- رایین، اسماعیل، *حقوق‌بگیران انگلیس در ایران*، تهران: جاویدان، ۱۳۵۶.
- ۲۰- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، *فارس و جنگ بین‌الملل*، ۲ ج، تهران: اقبال، ۱۳۵۷.
- ۲۱- سایکس، سرپرسی، *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، جلد دوم، تهران: علمی، ۱۳۶۲.
- ۲۲- سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر، *وقایع‌الانفاقیه*، گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس، تهران: پیکان، ۱۳۶۱.
- ۲۳- سفیری، فلوریدا، *پلیس جنوب در ایران*، ترجمه منصوره اتحادیه و منصوره جعفری فشارکی، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۴.
- ۲۴- سیوری، راجر، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: سحر، ۱۳۶۶.
- ۲۵- فن میکوش، داگوبرت، *واسموس لورنس آلمانی*، ترجمه فرشته اعظم میرفخرایی، تهران: نویسا، ۱۳۷۵.
- ۲۶- کرزن، جرج ناتانیل، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ۲ ج، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- ۲۷- کیان‌فر، عین‌الله؛ استخری، پروین، *کشف تلبیس یا دورویی و نیرنگ انگلیس*، تهران: زرین، ۱۳۶۳.
- ۲۸- گرگه، اولریخ، *پیش به سوی شرق*، ترجمه پرویز صدری، کتاب اول، تهران: سیامک، ۱۳۷۷.
- ۲۹- گروته، هوگو، *سفرنامه گروته*، ترجمه محمد جلیلود، تهران: مرکز، ۱۳۶۹.
- ۳۰- گریوز، فیلیپ، *مأموریت سرپرسی کاکس در خلیج فارس و ایران*، ترجمه حسن زنگنه، تهران: به‌دید، ۱۳۸۰.
- ۳۱- لمبتن، آن.ک.س، *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۳۲- لوریمر، ج.ج. *وقایع تاریخ‌نگاری فارس*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: ایران‌شناسی، ۱۳۸۸.

- ۳۳- لیتن، ویلهم، ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: معین، ۱۳۶۷.
- ۳۴- ماساهارو، یوشیدا، سفرنامه ماساهارو، ترجمه هاشم رجب‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- ۳۵- مجد، محمدقلی، انگلیس و اشغال ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه مصطفی امیری، تهران: مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰.
- ۳۶- واتسن، رابرت گرانت، تاریخ ایران دوره قاجاریه، ترجمه عباس‌قلی آذری، تهران: بی‌نا، ۱۳۴۰.
- ۳۷- ویلسن، آرنلد، سفرنامه ویلسن، ترجمه سعادت نوری، تهران: وحید، ۱۳۶۳.
- ۳۸- هدایت، مهدی‌قلی (مخبرالسلطنه)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار، ۱۳۸۹.
- ۳۹- _____، گزارش ایران، تهران: نقره، ۱۳۶۳.
- 40- Bullard.R. **The Middle East a political and economic survey**, Oxford University press London New Toronto: 1951.
- 41- Degoe, Ferry. **The business of consuls, consuls and business men**. Erasmus University Rotterdam. Faculty of his tory and art, 2010
- 42- Lorimer, J.G, **Gazetter of the Persian Gulf, Oman, and Central Arabia**, Completed and edited by R.L.Bird Wood, Calcutta, 1970.
- 43- Stebbin, H.L. (2009). **British Consuls and "Local" Imperialism in iran, 1889-1921**, PhD Dissertation: University of Chicago.
- 44- -Windler, Chris. **Diplomatic History as Field for Cultural. Analysis: Muslim- Christian Relations in Tunis, 1700-1840**. The Historical Journal 44: 1, 2001.